



کلمه تخریبی خلاصه شود جایگاه نقد را بسیار دچار تزلزل می‌کند و فیلم‌ساز نیز گرایشی به نظرات منتقدین پیدا نمی‌کند.

**گاهی این طور به نظر می‌رسد که منتقدان واقعی ما بیشتر مردم را به ندیدن فیلم‌ها تشویق می‌کنند و حس می‌کنند نقد واقعی یعنی بیان صریح نقاط ضعف. این چقدر درست است؟**

منتقدین هیچ وقت مردم را تشویق به ندیدن یک فیلم نمی‌کنند! اصلاً منتقد کارش این است که در کنار آگاهی بخشی، مردم را تشویق کند به فیلم دیدن. در این بین برخی ناخودآگاه (به تصور من) به گونه‌ای حرف می‌زنند که حس مردم نسبت به سینما رفتن و فیلم دیدن منفی می‌شود. زمانی که من برنامه هفت را اجرا می‌کردم تأثیرات آقای فراستی در جذب تماشاگر به سینما را ارزیابی کردم؛ «مسعود فراستی» شخصیت مشهوری است اما در جذب مخاطب به سینما بسیار منفی است. یعنی تماشاگری که نظریه او را شنیده باشد آرام آرام سینما را از سبب تفریح خانواده خود حذف می‌کند. این آسیب است و آفتی برای منتقد. قطعاً نباید چنین کاری کرد. تلویزیون خودمان در حال حاضر فیلم‌های سینمایی داخلی را پخش نمی‌کند اما جدیدترین فیلم‌های خارجی را با همه محتوای غلط یا فرم نادرستش پخش می‌کند. فقط به این علت که از موی مشخص باز یگر خانم اشکال می‌گیرد! این ضرر بیشتری به سینمای ایران می‌زند. در درون این سیاست گذاری‌ها هنوز یک عده فهم درستی از تأثیر مثبت سینما ندارند یا شاید دارند و نمی‌خواهند بهره ببرند.

فضایی بسیار هم لذت بخش است که همه دور هم بنشینند. اگر منتقد منصف و عاقل باشد و تکنیکی حرف بزند، فیلم‌ساز و تهیه کننده هیچ گاه ناراحت نمی‌شوند اما وقتی تنش‌های زیادی بین فیلم‌ساز و منتقد به وجود می‌آید و درگیری می‌شود که اتفاقاً مضحک و خنده دار است! مجبور می‌شوند سالن‌ها را جدا کنند. هیچ جای دنیا منتقدین و سینماگران جدا از یکدیگر به تماشای فیلم نمی‌نشینند مگر جشنواره کن و مشاهیرش که به علت تعداد زیاد خبرنگاران و منتقدان سالن جدایی اختصاص می‌دهند برای احترام و تماشای بهتر فیلم است. قطعاً در ایران این گونه نیست. دو هزار کارت خبرنگاری صادر شده بدون آن که بدانند این فرد چقدر اعتبار سینمایی دارد. مگر می‌شود یک منتقد بیست سی ساله که به طور طبیعی چند هزار فیلم دیده و شناخت درستی از یک فیلم‌ساز دارد کنار جوانی بنشیند که هنوز فیلم قبلی کارگردان را ندیده! طبیعی است که این افراد نمی‌توانند با هم گفت‌وگویی داشته باشند. می‌توانند در یک سالن بنشینند و فیلم ببینند اما تعاملی ندارند. جشنواره نمی‌خواهد این مسأله را حل کند اگر این فرایند درست انجام شود فیلم‌ساز لذت بیشتری می‌برد و بهتر می‌تواند شنونده نظرات راجع به اثر خود باشد. خبرنگارانی داریم که وقتی در نشست خبری درخواست می‌شود سؤالشان را بپرسند، احساسشان را بیان می‌کنند و با عصبانیت سالن را ترک می‌کنند. اصلاً خبرنگار حق ندارد سالن را ترک کند! این خیلی بد است که تفاوت سؤال و بیان احساس را بلد نیستند و مرتکب عملی اشتباه می‌شوند. اگر نظر منتقد تنها در چند

شده به چشم می‌آید در صورتی که این روند غلط است. در همه فیلم‌ها که جوانمردی و مروت نیست! یک جاهایی مسائل دیگر است. به هر حال رابطه برخی فیلم‌سازان و منتقدین این گونه است؛ خانه‌زاد یکدیگرند و کاری هم جز این بلد نیستند. گروهی دیگر از منتقدین نیز هستند که با هر اثر هنری به تفسیر یک فیلم می‌پردازند. منتقدانی داریم که سه الی چهار صفحه به تحلیل و تفسیر یک فیلم پرداخته‌اند. این‌ها منتقدان درست و منصفی‌اند؛ یک پاراگراف موافقت می‌کنند و یک پاراگراف مخالفت، به عبارتی انصاف و عدالت را در قلم خودشان رعایت می‌کنند. من این منتقدین را می‌پسندم، خیلی لذت می‌برم و همیشه هم نظرشان را می‌خوانم. در گذشته تعدادی از منتقدین مجله «فیلم» این گونه بودند؛ مانند «جهانبخش نورایی». در واقعیت نمی‌توانیم بگوییم امثال جهانبخش نورایی منتقد نیستند؛ او یک فیلم را پنج صفحه تحلیل می‌کند و وقتی می‌خوانیم متوجه می‌شویم که همه زوایای فیلم را درک و کشف کرده‌است. این نوع منتقدان منصف هستند اما تعدادشان اندک است. بعید است به تعداد انگشتان دست برسد! به نظر من انجمن منتقدین در ارزیابی تخصصی و حرفه‌ای نقش کلیدی دارد اما مشکل این است که هیئت مدیره انجمن هم درگیر مافیای اقتصادی است، برای همین هم سعی می‌کند با همه راه بیاید. یک جریان دیگر هم فقط اسم منتقد را یدک می‌کشند و در اصل منتقد نیستند. این‌ها سیاسیون و جناح‌های سیاسی هستند که سینما را بر اساس مسائل روز خودشان یا منافع جناحی خودشان ارزیابی، مخالفت و موافقت می‌کنند. برای مثال کاری با قصه و فرم فیلم «منصور» ندارد. همین که در مورد شهید ستاری ساخته شده‌است همه تعریف و تمجید می‌کنند. من تاکنون برای فیلم «منصور» نقد تخصصی نخوانده‌ام. برای مثال «ابراهیم حاتمی‌کیا» یا «شهرام مگری» می‌دانند بعد از ساخت اثرشان با کدام منتقد صحبت کنند. الان متأسفانه فیلم‌سازان، انجمن‌ها و منتقدین مبتلا به یک نگاه جناحی و شخصی شده‌اند و برای سینما دل نمی‌سوزانند؛ در صورتی که الان سینما در دنیا حرف اول را می‌زند. به قول سخن زیبای رهبری: «سینما قدرت برتر است» باید از این قدرت برتر برای پیشرفت استفاده کنیم.



**الان منتقدان ما مسلط به دانش نقد نیستند بنا بر این من نمی‌توانم کلمه‌ی منتقد را به کار ببرم اما در حال حاضر می‌توانند مفسرین خوبی باشند به شرط این که خودشان را نسبت به فیلم‌ساز و سینمای ایران ارتقاء دهند**

**به نظر شما منتقدین باید در جمع اصناف سینمایی باشند یا رسانه‌ای؟**

از نظر من به لحاظ جشنواره‌ای باید با یکدیگر باشند. نباید تفکیکی بین سالن منتقدان و سالن هنرمندان باشد. همه هنرمندان باید در کنار منتقدان ببینند یک اثر هنری باشند. به این شرط که گاردی وجود نداشته باشد، به هر حال همگی ببینند جدیدترین اثر یک هنرمند هستیم و باید ببینیم این اثر هنری چه حرف جدیدی برای ما دارد؟ در چنین